واقعیت شکل زمین (تخت)

در زبان روایات و اسناد معتبر علمی

📅تاریخ: ۰۳/۰۷/۱۳۹۹📅

⏰زمان مطالعه: ۶۴دقیقه⏰



📜متن: عیاشی به سندش از ابی الحسن علیه السّلام روایت کرده که دو کفش را گشود و راست را بر چپ نهاد و فرمود: این زمین دنیا است و آسمان دنیا گنبد آن است. زمین دوم بالای آسمان دنیا است و آسمان دوم گنبد آن است و زمین سوم بالای آسمان دوم است و آسمان سوم گنبد آن می‌باشد و به همین صورت تا چهارم و پنجم و ششم را بیان کرد و فرمود: زمین هفتم بالای آسمان ششم است و آسمان هفتم گنبدی بر آن است و عرش رحمان بالای آسمان هفتم است.

و این معنای قول خداوند بزرگ است که فرمود: «سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنّ» {خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آن‌ها هفت زمین آفرید. فرمان [خدا] درمیان آن‌ها فرود می‌آید.} و صاحب امر، پیغمبر است که روی زمین است و امر از بالا از میان آسمان‌ها و زمین می‌آید. بنابراین معنا این است که فرشته‌ها فرمان‌های خدا را برای پیغمبران می‌آورند. و گفته شده مقصود این است که فرمان زندگی برخی و مرگ برخی یا سلامت زنده‌ای و نابودی دیگری و توانگری آدمی و درویشی دیگری و گردش کارها وفق حکمت از سوی خدا میان آسمان‌ها و زمین‌ها پایین می‌آیند.

متن: عیاشی از حسین بن خالد نقل می‌کند که به امام رضا علیه السلام عرض کردم: مقصود پروردگار متعال از عبارت «وَالسَّمَاء ذَاتِ الْحُبُکِ» چیست؟ فرمود: آسمان در زمین، فرو رفته است و انگشتان خود را در یک‌دیگر فرو برد. عرض کردم چطور ممکن است که آسمان‌ها با زمین، در هم فرو رفته باشند، حال آن که خداوند فرموده است: «رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» فرمود: سبحان الله! مگر خداوند نفرموده است: «بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» عرض کردم: آری. فرمود: پس ستون‌هایی وجود دارند، ولی دیده نمی‌شوند. عرض کردم: چگونه چنین است؟ امام دست چپ خود را گشود و سپس دست راست خود را روی آن‌ها قرار داد و فرمود: این زمین دنیا است و این آسمان دنیا که مانند گنبدی بر روی آن قرار گرفته است.

📜متن: ابی حمزه می‌گوید: شبی نزد امام باقر علیه السلام بودم، نگاهی به آسمان کرد و به من فرمود: ای ابا حمزه، این گنبد پدر ما آدم است و راستی که خدای عز و جل سی و نه گنبد غیر آن دارد. در آن‌ها آفریده‌هایی هستند که یک چشم بر هم زدن، نافرمانی خدا نکردند... مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و به ایشان گفت: قربانت گردم! این گنبد آدم است؟ فرمود: آری و خدا گنبدهای بسیار دارد. به راستی که پشت این مغرب شما سی و نه مغرب است. زمینی است درخشان پر از خلقی که به نور او تابانند و خدای عز و جل را یک چشم بر هم‌زدن نافرمانی نکرده‌اند.📜

📜متن: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله فرمود: هر یک از مردان اهل بهشت ثروتی هفتاد برابر همه دنیا دارد و نیز هفتاد هزار گنبد و هفتاد هزار کاخ و هفتاد هزار تخت آراسته و هفتاد هزار تاج جواهرشان و هفتاد هزار لباس زرنشان و هفتاد هزار حورالعین و هفتاد هزار خدمت‌گزار و هفتاد هزار زلف و چهل تاج مرصع و هفتاد هزار لباس فاخر خواهد داشت📜

📜متن: ابن کواء از امیرالمؤمنین علیه السّلام پرسید از کهکشانی که در آسمان است؟ فرمود: آن کانال و رودخانه آسمان است و امان از غرق شدن اهل زمین است، و خدا از آن بود که قوم نوح را به آبی تند جریان غرق کرد📜

📜متن: در خبر یزید بن سلام است که از پیغمبر صلی اللَّه علیه و اله پرسید، چرا ستارگان خرد و درشت به چشم می‌آیند با این‌که همه در اندازه برابرند؟

فرمود: چون میان آن‌ها و آسمان دنیا دریاهای پر موجی است که باد بر آن‌ها می‌وزد، از این رو خرد و درشت دیده می‌شوند، و اندازه همه یکی است📜

📜متن: از ابن عمر روایت شده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله فرمود: میان زمین و زمینی که پهلوی آن است، مسافت پانصد سال راه است و بالاتر زمین بر یک ماهی است که دو سویش در آسمان به هم برخورده‌اند؛ ماهی بر صخره به دست فرشته است. دوم زمین جای باد است و چون خدا خواست عاد را هلاک کند، به دربان باد فرمود که بر عاد باد بفرستد. گفت: پروردگارا! به اندازه سوراخ بینی گاو باد به آن‌ها فرستم؟ خدا فرمود: در این صورت زمین و هر که بر آن است واژگون شوند، بلکه به اندازه انگشتری بفرست و همان است که خدا در کتابش فرموده است: « ما تَذَرُ مِنْ شَيْ‏ءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ» {به هر چه می‌وزید آن را چون خاکسترِ استخوان مرده می‌گردانید.} در زمین سوم سنگ دوزخ است، و در چهارم کبریت دوزخ. گفتند: یا رسول اللَّه! دوزخ کبریت دارد؟ فرمود: آری، به آن که جانم به دست او است در آن وادی‌ها از کبریت است که اگر کوه‌های بلند به آن فرستاده شوند آب می‌گردند. در زمین پنجم مارهای دوزخند که دهانشان چون وادی است و کافر را می‌گزند و گوشتی از او بر تخته گوشت نماند. در زمین ششم عقرب‌های دوزخند، که کوچک‌ترشان چون استران پالان دار است و به کافر نیشی می‌زند که سوزش دوزخ را فراموش می‌کند. در زمین هفتم سقر است و در آن ابلیس در غل آهن از پیش و پس است و چون خدا می‌خواهد برای آن‌چه می‌خواهد، او را آزاد می‌کند...

کعب که گفت: هفت زمین بر صخره‌اند و صخره بر کف فرشته و فرشته بر بال ماهی و ماهی در آب که بر باد است و باد بر هوا قرار گرفته است. ریح عقیمی که آبستن نسازد و راستی که شاخ‌هایش به عرش آویزان است... از ابن عباس روایت شده است که آقای آسمان‌ها آن است که عرش در آن قرار دارد و آقای زمین‌ها، زمین ما است📜

📜متن: پادشاه روم درباره محل ارواح مؤمنان بعد مرگشان از امام حسن سئوال کرد. حضرت فرمود: هر شب جمعه در کنار صخره بیت المقدس که عرش زمینی خداوند است گردهم می‌آیند. خداوند از آن جا زمین را گستراند، و از همان جا آن را در هم می‌پیچد. محشر نیز از همان جا آغاز می‌شود و از آن جا خداوند بر آسمان و فرشتگان استیلا یافت.

پادشاه علاوه بر این، از امام حسن مجتبی علیه السلام در باره محل گرد هم آمدن ارواح کفار پس از مرگشان سئوال کرد. آن حضرت پاسخ داد: در وادی حضر موت، پشت شهر یمن گرد هم می‌آیند. سپس خداوند آتشی از مغرب و آتشی از مشرق را برمی انگیزد و دو باد شدید را نیز در پی آن دو روان می‌سازد. آن گاه مردم را در نزدیکی صخره بیت المقدس زنده می‌کند و مردم را در سمت راست صخره گرد هم می‌آورد و پرهیزگاران را به خود نزدیک می‌کند. دوزخ در سمت چپ صخره، در میان طبقه هفتم زمین خواهد بود که در آن جا حفره آتش و سجین نیز وجود خواهد داشت. مردم در کنار صخره تقسیم خواهند شد. هر کس سزاوار ورود به بهشت باشد، وارد آن خواهد شد.📜

📜متن: امام جعفر بن محمد: خدا پرده‌ای از تاریکی در پهلوی مشرق آفریده و بدان فرشته‌ای گماشته، چون خورشید فرو شود آن فرشته تا دو کف خود از آن تاریکی برگیرد و به مغرب آید و به دنبال شفق باشد، و خرده خرده از میان دو کفش برآید و بگذرد تا هنگامی که شفق فرو شود و تاریکی پهن گردد، سپس به مشرق بازگردد و چون خورشید برآید با پر خود تاریکی را به مغرب راند تا آن را هنگام برآمدن خورشید به مغرب رساند.📜

📜متن: در خرائج، از صفوان جمّال روایت شده که در حیره به همراه امام صادق علیه السّلام بودم، ناگاه ربیع حاجب آمد و گفت: که أمیر المؤمنین را اجابت کن، و درنگی نشد که بآن حضرت باز گشت گفتم: زود برگشتی، فرمود: او چیزی از من پرسید، تو از ربیع بپرس از آن، صفوان گوید: من با ربیع میانه خوبی داشتم رفتم نزد او و از او پرسیدم، گفت خبر عجیبی به تو بدهم، عرب‌های بیابان رفته بودند سماروغ بچینند، مخلوقی در بیابان افتاده بود، نزد منش آوردند، و من آن را نزد خلیفه بردم چون آن را دید، گفت: از من دورش کن و جعفر را بخوان، او را خواندم. منصور باو گفت: یا أبا عبد اللّٰه بمن بگو در هواء چیست؟ فرمود: در هوا موجی است خوددار، گفت: در آن ساکنی هست؟ فرمود: آری، گفت: سکانش چه باشند؟ فرمود: خلقی که بدن‌شان چون ماهی است، و سرشان چون پرنده، و مانند خروس یال دارند و نغنغ (سوراخ‌های برآمده در گردن) و بال‌های بسیار سفید چون پرنده‌ها بمانند نقره زلال شده.📜

📜متن: از ثابت بن دینار نقل شده است که او می‌گوید: از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدم: آیا خداوند عز و جل با مکان وصف می‌شود؟ فرمود: خداوند از آن برتر است. پرسیدم: پس چرا پیامبرش را به آسمان برد؟ فرمود: برای این که جلال و عظمت آسمان‌ها را با هر آن چه در آن است به او نشان بدهد. از چیزهای عجیبی که ساخته است تا موجودات جدیدی که خلق کرده است. گفتم: پس معنای آیات «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلی* فَكَانَ قَابَ قَوسَیْنِ أَو أَدْنَی» چیست؟ فرمود: همان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که به حجاب نور نزدیک شده بود و جلال و عظمت آسمان‌ها را مشاهده نمود. سپس حضرت خم شد و از زیر آن به عظمت و ملکوت زمین نگاه کرد، تا جایی که گمان کرد در نزدیکی زمین قرار دارد و فاصله او با زمین دو سر کمان و یا کمتر است📜

📜متن: از حنان روایت شده که گفت: به امام صادق علیه السلام گفتم: علت این که امیرالمؤمنین علیه السلام نماز عصر را ترک کرد و به تأخیر انداخت چه بود در حالی که او دوست داشت نماز ظهر و عصر را باهم بخواند؟ گفت: وقتی او نماز ظهر را خواند رو به سوی جمجمه‌ای که افتاده بود کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام با آن سخن گفت: ای جمجمه تو اهل کجا هستی؟ گفت: من فلان بن فلان، پادشاه سرزمین آل فلان هستم. امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: داستانت را برای من تعریف کن چه بودی و دورانت چگونه بود؟ جمجمه شروع کرد به تعریف کردن داستانش و خیر و شری که در دوران او بود، به آن سرگرم شد تا این که خورشید غروب کرد. با آن به سه حرف از انجیل سخن گفت تا عرب‌ها سخن او را نفهمند.

گفت: اکنون که رفته‌ام باز نمی‌گردم. به سوی خدای عزّوجلّ دعا کرد و خدا هفتاد هزار فرشته با هفتاد هزار زنجیر آهنی فرستاد که آن را در گردنش انداختند و بر روی صورتش کشیدند تا این‌که بازگشت در حالت سفید و پاکیزه و امیرالمؤمنین علیه السلام نماز خواند. سپس مانند ستاره‌ای غروب کرد و این سبب تأخیر نماز عصر بود

متن: حسن بن محبوب، از عبد اللّه بن سنان، از معروف بن خَرَّبُوذ، از حَکَم بن مُستَنیر، از علی بن حسین (علیهما السلام) روایت کرده است که فرمود: یکی از زمان‌هایی که خداوند به خاطر نیاز مردم به آن مقدّر فرموده، دریایی است که خداوند بین آسمان و زمین خلق کرد، سپس مدار خورشید و ماه و ستارگان و سیّارات را در آن دریا قرار داد، پس همه این مجموعه را در فَلَک قرار داد. سپس مَلَکی را که هفتاد هزار مَلَک تحت امر او بودند بر فلک گماشت، و آن هفتاد هزار ملک، فلک را می‌چرخانند، این چرخش خورشید و ماه و ستارگان و سیارات در پی چرخش فلک، باعث می‌شود آن‌ها در هر روز و شب در آن منزلی که خدا مقدّر فرموده قرار بگیرند. وقتی گناه بندگان زیاد شود و خداوند بخواهد با آیتی از آیاتش آن‌ها را مؤاخذه کند، به مَلَکی که بر فلک گماشته شده است، امر می‌کند فلکی را که مدار خورشید و ماه و ستاره و سیاره در آن است از مجرا و محل همیشگی خود منحرف کند. آن ملک به هفتاد هزار ملائکه تحت امرش همین دستور را می‌دهد و آن‌ها اطاعت می‌کنند، در نتیجه خورشید به آن دریایی که فلک در آن جاری است، می‌افتد و دما و حرارتش از بین می‌رود و رنگش تغییر می‌کند.

و هرگاه خداوند بخواهد آن آیت و نشانه را عظمت بیشتری بدهد، خورشید در آن دریا کاملاً فرو می‌رود، به خاطر این‌که خداوند می‌خواهد با این نشانه خلق خود را بترساند و بیم دهد. این حالتی است که کسوف کامل اتفاق می‌افتد و همین اتفاق در مورد ماه هم به وقوع می‌پیوندد، سپس وقتی خدا اراده کند آن دو را درآورد و در مدار خود قرار دهد، به ملک مسئول امر می‌کند خورشید را به مدار خود برگرداند و ملک، فلک را بر مجرای خود باز می‌گرداند و خورشید از آب در می‌آید در حالی که کدر و تیره رنگ است؛ و همین طور است درباره ماه. سپس فرمود: تنها شیعیان ما از این دو نشانه می‌ترسند. پس وقتی این واقعه رخ می‌دهد، از خدا بترسید و به سوی او بازگردید... امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود: مسافت کل زمین پانصد سال راه است؛ صد سال مسافت و اندازه آبادی‌ها و شهرها و چهارصد سال مسافت و اندازه صحراها و کوه‌ها و مناطق غیر مسکونی، و اندازه خورشید شصت فرسخ در ششصد فرسخ (مایل۲/۷۳۰۰۰۰)، و اندازه ماه چهل فرسخ در چهل فرسخ (۲۰۰۰فرسنگ) است، درون ماه و خورشید برای اهل آسمان‌ها می‌درخشد و نور می‌دهد و برون و قشر آن‌ها برای اهل زمین نور می‌دهد، و سیارات (ستارگان مستقر در گنبد آسمان) به اندازه بزرگ‌ترین کوه‌های روی زمین هستند و خورشید قبل از ماه خلق شده است

متن: علی بن ابراهیم، از هارون بن مسلم، از مسعدة بن صَدَقَه، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: امام علی علیه السلام در زیر اولین قطرات باران ایستاد تا این که سر و ریش و لباس حضرت خیس شد و چون از او خواسته شد که پناه بگیرد

فرمود: به راستی که این آب با عرش الهی نو آشناست. سپس فرمود: زیر عرش، دریایی است که روزی زندگان را می‌رویاند، هرگاه خداوند اراده کند به واسطه آن آب، آن چه را می‌خواهد برای مخلوقات برویاند و به آن‌ها رحمت آورد، به آن دریا امر می‌کند و دریا به اندازه‌ای که خدا مقدر کرده از آسمانی به آسمانی می‌بارد تا این‌که خدا به باد امر می‌کند که ابرها را خرد کن و هم‌چون آب، ذوب بگردان و به فلان جا و فلان جا ببر و بر ساکنان آن‌ها ببار و به فلان مکان، باران زیاد بباران و غیره. پس باد به همان صورت که خدا امر کرده، ابرها را می‌باراند و به همراه هر قطره باران، فرشته‌ای وجود دارد تا آن را در مکان خود قرار دهد. تعداد و وزن قطرات باران، معین و مشخص است، به جز در هنگام وقوع طوفان نوح که بدون وزن و عدد، آب از آسمان، ریزان بود.

متن: ابان بن تغلب نقل می‌کند: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم که مردی از اهالی یمن وارد شد و بر وی سلام کرد و حضرت علیه السلام جواب سلام وی را داد و فرمود: خوش آمدی سعد! آن مرد گفت: این همان نامی است که مادرم مرا با آن نامید، و اندک هستند کسانی که نام مرا می‌دانند! ای سعد! کارت چیست؟ عرض کرد: فدایت شوم! من از خانواده‌ای منجّم هستم که هیچ کس در یمن در علم نجوم از ما داناتر نیست. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: زُحَل نزد شما چگونه ستاره‌ای است؟ آن مرد یمنی گفت، ستاره‌ای نحس و شوم است. حضرت علیه السلام فرمود: خاموش باش! این سخن را بر زبان نیاور؛ آن ستاره، ستاره امیر المؤمنین علیه السلام و ستاره اوصیا و جانشینان علیهم السلام است، و این ستاره‌ای است که خداوند عزّ و جلّ در قرآن از آن به عنوان ستاره درخشان یاد می‌کند.

آن مرد یمنی عرض کرد: پس منظور از درخشان چیست؟ فرمود: محل طلوع این ستاره در آسمان هفتم است، و به اندازه‌ای نورافشانی کرد که نور آن در آسمان دنیا نمایان گشت، و از آن‌جاست که خداوند عزّ و جلّ آن را ستاره درخشان نامید📜

📜متن: امام باقر علیه السلام درباره آیه «و کذلک نری ابراهیم ملکوت السماوات و الارض...» فرمود: زمین برای او مکشوف شد، تا این‌که زمین و هر که را در آن است دید و آسمان برایش مکشوف شد تا این‌که آن را و هر که در آن است و فرشته‌ای که آسمان را حمل می‌کند و عرش و هر که را بر روی عرش است، مشاهده کرد. و این چنین به یار شما (امام باقر) نیز نشان داده شده است. سپس فرمود: به چشم او چنان نیرویی داده شد که در آسمان‌ها نفوذ کرد و آن‌چه را در آن‌هاست مشاهده کرد و عرش و آن‌چه را بالای عرش است و زمین و آن‌چه را زیر زمین است، دید. امام صادق علیه السلام درباره همین آیه فرمود: زمین و هر که بر روی زمین است و آسمان و هر که در آن است و فرشته‌ای که آسمان را بر دوش می‌کشد و عرش و هر که را بر آن است، برای ابراهیم مکشوف کرد و برای رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام نیز چنین کرد📜

📜متن: عالم یهودی: چرا زمین را ارض نامیدند؟ حضرت محمد (ص): چون زیر پاست و بر آن گام نهند. از چه آفریده شده؟ از زبرجد. زبرجد از چه آفریده شده؟ از موج خوددار آن موج از چه آفریده شده؟ از دریا. آن چگونه بوده است؟ چون خدا عزّ و جلّ دریا را آفرید، باد را فرمود تا بر امواج آن زد و به هم خوردند و کف برآوردند و فرمودش تا گرد آمدند

و فرمودش تا نرم شدند و فرمودش تا استوار شدند و فرمودش تا کشش برداشت و زمین شد. به من بگو از کجا آرام شد؟ از اثر کوه قاف که مایه میخ‌های زمینی است که بر آنیم. به من بگو زیر زمین چیست؟ زیر آن نرّه گاوی است. چه وصفی دارد؟ چهار پا دارد و بر صخره سپیدی ایستاده است. بگو چطوری است؟ چهل شاخ و چهل دندان دارد، سرش در مشرق است و دمش در مغرب و تا قیامت برای خدا ساجد است و از هر شاخش تا دیگر پنجاه هزار سال است. زیر آن صخره چیست؟ کوهی به نام صعود. آن کوه از آن کیست؟ از آن دوزخیان که بر آن برآیند تا روز قیامت و آن هزار سال است تا چون به قلّه آن رسند، به گرزها زده شوند. بگو به من زیر آن کوه چیست؟ زمین است. نامش چیست؟ جاریه. زیر آن چیست؟ یک دریا. نام آن دریا چیست؟ سهک. زیر آن دریا چیست؟ زمین. زیر آن زمین چیست؟ یک دریا. نام آن دریا چیست؟ زاخر. زیر آن دریا چیست؟ یک زمین. نامش چیست؟ فسیحه. برای من آن زمین را وصف کن. زمینی است درخشان چون خورشید، بادش بوی مشک دارد و روشنی اش چون ماه و گیاهش چون زعفران، متقیان روز قیامت بر آن محشور شوند. بگو این زمین ما در آن روز کجا است؟ عوض شود با زمین دیگر. زیر آن زمین چیست؟ دریایی است. نام آن دریا چیست؟ قمقام. در آن چیست؟ یک ماهی. نامش چیست؟ یهموت. آن ماهی را وصف کن برایم. سرش در مشرق است و دمش در مغرب. بر پشتش چیست؟ زمین، دریاها، کوه‌ها، ظلمت. میان دو چشمش چیست؟ هفت دریا در هر دریا هفتاد هزار شهر در هر شهر هزار پرچم، زیر هر پرچم هفتاد هزار فرشته.

آن‌ها چه می‌گویند؟ لا اله الا اللّه وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حیّ لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شی ء قدیر. راست گفتی. زیر باد چیست؟ ظلمت. زیر ظلمت چیست؟ ثری. زیر ثری چیست؟ جز خدا عزّ و جلّ نمی داند📜

📝نکات‌علمی: از ابتدای آغاز تاریخ ثبت شده بشریت از هزاران سال قبل تمدن های مختلف در سراسر جهان معتقد بودند زمین ثابت و مسطح است. سیستم‌های کیهان شناسی آن‌ها تفاوت کمی باهم داشت و همگی بطور کلی به یک موضوع مشترک باور داشتند با این‌که اکثر این تمدن‌ها از یک‌دیگر بسیار دور بودند. در نظر آن‌ها زمین یک صفحه تخت و بدون حرکت بود و البته بدون هیچ‌گونه انحنا. قطب شمال شناخته شده در مرکز عالم قرار داشت و نقطه مرکزی در باور بسیاری از تمدن‌ها شناخته می‌شد و ستاره قطبی همیشه بر بالای شمال حاضر بود و ستارگان همیشه در حال حرکت به دور زمین و ستاره قطبی بودند. برای انسان کهن زمین و ستاره قطبی دو نقطه ثابت در جهان بودند که همه چیز به دور آن ها گردش می‌کرد و از نظر آن‌ها همه‌چیز توسط یک آسمان گنبدی شکل احاطه شده بود. اکثر تمدن‌ها به یک گنبد فیزیکی و جامد که ستارگان به آن چسبیده‌اند معتقد بودند. امروزه با امکانات بسیار زیاد و پیشرفته به این موضوع پی می‌بریم که زمین کاملا تخت و ثابت است، درست همان‌گونه که تمدن‌های گذشته اعتقاد داشتند و احساس و چشمان ما به ما گفته بودند. فرض کنید در خانه‌ای زندگی می‌کنید که چراغ‌هایی به شکل کروی و اشکال دیگر از سقف آن آویزان هستند.

آیا با دیدن این چراغ ها نتیجه میٰگیرید که خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنید کروی شکل است؟ مسلما پاسخ منفی است... خورشید در زمین تخت بر یک مدار مخروطی شکل در طول یکسال از راس السرطان به راس الجدی جابجا شده و حرکت می‌کند. زمانی که خورشید در منطقه شما و بر فراز سرتان قرار دارد روز است و زمانی که به تدریج از شما فاصله می‌گیرد و غروب می‌کند، شب پدید می‌آید. به علت کوچک‌تر بودن خورشید نسبت به زمین، محدوده‌ای که خورشید روشن می‌کند محدود است و توان روشن کردن تمامی نقاط بر روی زمین را ندارد. زمانی که خورشید از قطب شمال فاصله می‌گیرد، در نیمه‌شمالی زمستان و در نیمه‌جنوبی تابستان را داریم و زمانی که از نیمه‌جنوبی به سمت شمال حرکت می‌کند، نیمه‌جنوبی زمستان و نیمه‌شمالی تابستان را تجربه می‌کند. زمانی که خورشید از نیمه‌شمالی به سمت نیمه‌جنوبی حرکت می‌کند، هرچه به جنوب نزدیک‌تر می‌شود، به آغاز فصل بهار نزدیک‌تر می‌شویم چرا که خورشید درحال نزدیک‌تر شدن به سمت جنوب است و بهار را تجربه می‌کنیم و سپس زمانی که خورشید بر فراز نیمه‌جنوبی قرار گرفته (در طول این مسیر یکساله) نیمه‌جنوبی تابستان را تجربه می‌کند. پس از اتمام تابستان خورشید مسیر خود را به سمت شمال آغاز می‌کند و هرچه از نیمه‌جنوبی بیشتر فاصله می‌گیرد، هوا سردتر و خنک‌تر می‌شود و وارد فصل پاییز در نیمه جنوبی می‌شویم و زمانی که بطور کامل در نیمه‌شمالی قرار گرفت، نیمه‌جنوبی زمستان و نیمه‌شمالی تابستان است. زمین را می‌توان مانند یک آهنربای حلقه‌ای در نظر گرفت که یک قطب آن در مرکز و قطب دیگر در کنارها و لبه های آن قرار دارد.

هم‌چنین می‌توان به نوعی جریان‌گردابی را در زمین مسطح متصور شد. زمین مسطح نیز مانند زمین کروی، دارای لایه‌های پوسته، گوشته و... است و هرکدام از این لایه‌ها چند صد کیلومتر امتداد دارند. امروزه نیز با وجود هواپیما، مسیرهای هوایی این‌گونه تنظیم شده‌اند یعنی برای بازگشت به مکانی که از آن سفر را شروع کرده‌اید باید در فرودگاه‌های مختلف با هواپیما فرود بیایید و سپس سفر را ادامه دهید و به مکان قبلی برسید این با تخت بودن زمین نیز قابل توجیه است و برهانی بر کروی بودن زمین نمی‌باشد. زمین، یک صفحه گرد است که در مرکز آن قطب شمال و در اطراف آن، کوه‌هایی یخی که به نام قطب جنوب می‌شناسیم، قرار گرفته‌اند. این کوه‌های یخی که زمین را احاطه کرده‌اند، ارتفاعی در حدود ۵۰ متر دارند. کارمندان ناسا از این کوه یخی محافظت می‌کنند تا افراد نتوانند از آن بالا بروند و به کوه‌های یخی آسیبی برسانند؛ اما آن‌ها در واقع مانع رفتن افراد به لبه صفحه زمین می‌شوند. ماه و خورشید، دو کره کوچک‌تر از زمین با قطر ۵۱ کیلومتر هستند که در ارتفاع ۴۸۲۸ کیلومتری از سطح زمین قرار دارند و در مدارهایی حرکت می‌کنند تا روز و شب را به‌وجود بیاورند و ستاره‌ها در ارتفاع ۴۹۸۸ کیلومتری و در گنبد آسمان قرار گرفته‌اند. خورشید و ماه همچون نور افکن‌هایی، به هنگام گردش بر فراز زمین، در یک چرخه ۲۴ ساعته بخش‌هایی از آن را روشن می‌کنند📝

📂منبع: 📂flatearthfarsi.com

موارد‌پژوهشی: گنبد آسمان در اخترشناسی کتاب مقدس گنبدی جامد و بسیار بزرگ است که بالای اتمسفر قرار دارد. در تورات کتاب پیدایش خداوند گنبد آسمان را خلق کرد تا آب‌های مافوق زمین را (منابع باران) از آب‌های زیرین (در زیر زمین) جدا کند. لغت فرمامنت (گنبد آسمان) انگلیسی شدهٔ لغت لاتینی فرمامنتیوم است که در ولگیت مشاهده می‌شود. واژه فرمامنت در انگلیسی از ریشه لاتین فرمامنتوم گرفته شده‌است که ترجمه لغت عبری رکیا می‌باشد. لغت فرمامنتوم در لاتین به معنی محکم و سخت می‌باشد. لغت عبری رکیا به معنی گسترش یافتن است که شبیه فرآیندی است که در آن یک فلز با کوبیدن صاف و پخش می‌شود. مانند تمامی فرهنگهای گذشته بنی‌اسرائیل بر این باور بودند که آسمان یک گنبد جامد است. لغت گنبد آسمان در تورات کتاب پیدایش روایت شده است. در کتاب پیدایش آمده است:

خداوند گفت بگذارید میان آب‌ها گنبدی باشد تا آب‌ها را از آب‌ها جدا کند. از این رو خدا گنبد را ایجاد کرد و آب‌های زیر گنبد را از آب‌های بالای گنبد جدا نمود و این‌گونه شد. و خداوند (بالای) گنبد را بهشت نام نهاد و این اتفاق در بعد از ظهر و صبح روز دوم واقع شد.

بر اساس تورات این گنبد دارای دریچه‌هایی به آسمان بالا است. در داستان طوفان نوح این پنجره‌ها باز شده و زمین از آب پر می‌شود.

در سال ششصدم زندگی نوح و در روز ۱۷ ماه دوم تمامی آبهای زیرزمین سرآریز شدند و پنجره‌های بهشت باز شدند. - کتاب پیدایش

از این رو در دیدگاه کتاب مقدس بهشت شمایم در بالای گنبد قرار داشت. کل زمین و آسمان در اقیانوسی به نام تهوم شناور بودند که آب‌های آن تا قبل از ایجاد گنبد زمین را پر کرده بود. دریای تهوم بر اساس تورات پر از موجودات شیطانی نظیر لویاتان است که خداوند بر آن‌ها غلبه کرده است.

گنبد آسمان مانند یک مانع جامد عظیم است و تا حدودی شبیه یک کریستال است. ظرافت آن به طوری فوق‌العاده است که مانند یک اَبر شاره رفتار می‌کند. تمام جامدات تا حدودی مایع نیز هستند. هر دسته از فریم‌های شبکه‌بندی شده (مانند فوتون، نوترینو، پروتون، اتم، مولکول، ستاره، کهکشان و...) به هیچ موقعیت ثابت (مشخص‌شده) در ماتریس گنبد آسمان متصل نیستند بنابراین باید نسبت به گنبد آسمان به گونه‌ای چرخش و حرکت داشته باشند. به همین ترتیب، کل شبکه، که مجموعی از ستارگان و کهکشان‌هاست، می‌تواند به عنوان یک نهاد مستقل از گنبد آسمان تلقی شود که درحال چرخش است...

وَ یَوْمَ نُسَیرِّ الجِبَالَ وَ تَرَی الْأَرْضَ بَارِزَةً وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنهمْ أَحَدًا [سوره کهف آیه۴۷]

ترجمه: و روزی را به خاطر بیاور که کوه‌ها را به حرکت درآوریم و زمین را آشکار و مسطح می‌بینی و همه آنان را برمی‌انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نه‌خواهیم کرد.

وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا [سوره نوح آیه۱۹]

ترجمه: و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده‌ای قرار داد

الَّذِی جَعَلَ لَكُمُ الأَرْضَ فِرَاشاً وَ السَّمَاء بِنَاء وَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاء مَاء فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقاً لَّكُمْ فَلاَ تَجْعَلُواْ لِلّهِ أَندَاداً وَ أَنتُمْ تَعْلَمُونَ [سوره بقره آیه۲۲]

آن خداوندی که زمین را چون فرشی بگسترد ، و آسمان را چون بنایی ، بیفراشت ، و از آسمان آبی فرستاد ، و بدان آب برای روزی شما از زمین هر گونه ثمره‌ای برویانید ، و خود می‌دانید که نباید برای خدا همتایانی قرار دهید

فَفَتَحنَآ أَبوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ بِمَآء مُّنهَمِر

ترجمه: آن‌گاه درهای آسمان را با آبی (فراوان و) فروریزنده گشودیم.

وَفَجَّرنَا ٱلأَرضَ عُيُونٗا فَلتَقَى ٱلمَآءُ عَلَىٰٓ أَمر قَد قُدِرَ [سوره قمر آیه۱۱و۱۲]

ترجمه: و از زمین چشمه‌های جوشاندیم (وجاری نمودیم). پس این (دو) آب (آسمان وزمین) برای امری که مقدر شده بود باهم در آمیختند.

حَتیَّ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فیِ عَیْنٍ حَمِئَةٍ وَ وَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا قُلْنَا یَاذَا الْقَرْنَینْ إِمَّا أَن تُعَذِّبَ وَ إِمَّا أَن تَتَّخِذَ فِیهِمْ حُسْنًا [سوره کهف آیه۸۶]

ترجمه: تا به غروب‌گاه آفتاب رسید. و در نظرش مجسّم شد که خورشید در چشمه تیره و گل آلودی فرو می‌رود و در آن‌جا قومی را یافت. گفتیم: ای ذو القرنین؛ آیا می‌خواهی آنان) را مجازات کنی، و یا روش نیکویی در مورد آن‌ها انتخاب نمایی؟

حَتیَّ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلیَ قَوْمٍ لَّمْ نجَعَل لَّهُم مِّن دُونهِا سِترْا [سوره کهف آیه۹۰]

ترجمه : ذوالقرنین حرکت کرد تا به خاستگاه خورشید رسید (در آن‌جا) دید خورشید بر جمعیّتی طلوع می‌کند که در برابر (تابش) آفتاب، پوششی برای آن‌ها قرار نداده بودیم

وَ إِلیَ الْأَرْضِ کَیْفَ سُطِحَت [سوره غاشیه آیه۲۰]

ترجمه: و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟

الشَّمْسُ یَنبَغِی لهَا أَن تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَ لَا الَّیْلُ سَابِقُ النهَّارِ وَ کلُ فیِ فَلَکٍ یَسْبَحُون [سوره یس آیه۴۰]

ترجمه: نه خورشید را سزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد و هر کدام در مسیر خود شناورند ...

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِکَ دَحَاهَا [سوره نازعات آیه۳۰]

ترجمه: و زمین را بعد از آن گسترش داد

معنای دحوالارض «دَحو» به معنای گسترش است و برخی نیز آن را به معنای تکان دادن چیزی از محلِ اصلی اش تفسیر کرده‌اند. منظور از دحوالارض (گسترده شدن زمین) این است که در آغاز، تمام سطح زمین را آب های حاصل از باران‌های سیلابیِ نخستین فراگرفته بود. این آب‌ها، به تدریج در گودال‌های زمین جای گرفتند و خشکی‌ها از زیر آب سر برآوردند و روز به روز گسترده‌تر شدند. از سوی دیگر، زمین در آغاز به صورت پستی‌ها و بلندی‌ها یا شیب‌های تند و غیرقابل سکونت بود. بعدها باران‌های سیلابی مداوم باریدند، ارتفاعات زمین را شستند و دره‌ها گستردند. اندک اندک زمین‌هایِ مسطح و قابل استفاده برای زندگی انسان و کشت و زرع پدید آمد. مجموع این گسترده شدن، «دَحو الارض» نام‌گذاری می‌شود. برنامه‌های معنوی زمین، گاهواره زندگی انسان و همه موجوداتِ زنده است، که با تمام کوه‌ها، دریاها، درّه‌ها، جنگل‌ها، چشمه‌ها، رودخانه‌ها، معادن و منابع گران‌بهایش، نشانه‌ای از نشانه‌های آفریدگار به شمار می‌آید که آن را گسترانیده است.🗒

🏛گردآوری: رسانه یوسف‌فاطمه🏛

➖توضیحات‌شخصی: با یک نگاه جمعی به اطلاعات درج شده می‌توان بسیار خوب فهمید زمین و محیط اطراف آن بر شکلی است که بسی متفاوت‌تر از داده‌های دورغ سازمان‌های زیر سلطه استعمارگران مخصوصا نظام سلطه جهانی لیبرالیسم است.

ما با تحقیقات فشرده در کتاب‌های مقدس دجالیسم متوجه شدیم که رسما با دستور شخص شیطان باید در علم نجوم یک‌سری اطلاعات معیاربندی شده برای فریب و نیرنگ اذهان عمومی به جامعه جهانی انتقال پیدا کند که بدین سبب مردم از درصد زیادی حقایق و بی‌کران‌های جهان خلقت در غفلت و نادانی تمام به سر برند تا در نهایت به یک زندگی شهوانی و حیوانی غوطه‌ور باشند و در تاریکی جهل راهی جهنم شوند. آن‌ها ما را گونه‌ای پرورش داده‌اند که گونه‌ای فرض کنیم هیچ یک از آیات و روایات الهی بر اساس علم روز مطابقت ندارد و تمام کلام نور پیامبران و ادیان دورغ محض است ولی به فضل الهی این توطئه‌ی بزرگ در راه آخر و رو به نابودی است. با نگرشی خردمندانه می‌توان درک کرد سازمان نجوم وابسته به سلطه استعمارگران حتی برای نوع و اندازه و چرخش و اطلاعات مبهم دیگر درباره خورشید، ماه، سیارات منظومه‌شمسی، ستارگان یا حتی کهکشان‌ها بر ما و دیگران دورغ بزرگ و اطلاعاتی کاملا احمقانه و به دور از واقعیت خبر دادند. چه درد بزرگی‌ست که به این مرحله رسیده‌ایم ولی به علمی دست یافتیم که در حیطه علوم طاغوت مصر باستان و نیروهای اعظم تاریکی عالم بود. باید بیدار شد و خود را از مثلث زندان فکری یک‌سری موجودات گم‌گشته و سرگردان رهایی بخشید و در عمل به دایره‌ی علم و دانش دین پر نور اسلام وارد گشت.

لیبرال۷۱۸ فصل۴ سخن۱۰؛ علم من پیشرفت می‌کند منتخبان من باید از قسمت بیرونی کیهان دیدن کنند (سازمان ناسا). علوم برق ، فیزیک‌دان ، بیوشیمیست و سایر شاخه‌های علوم مدرن ، که من (حوروس؛ منجی یهود (اولین فرزند ابلیس) فاش کردم ، در تحقیقات خود ادامه خواهند داد. اختراعات آن‌ها باید از تکنیک‌های مادی و جادویی استفاده شود. شگفتی‌های ملت ما (آمریکا و انگلیس) باید از مرز غیر قابل عبور فراتر رود! سلام ، بابلون! ما باید یک ماتریفیسم صادقانه را القا کنیم...

بگذارید که Practicus کتاب‌های درسی نجوم را مطالعه کند ، در صورت لزوم ، به سرزمینی که خورشید و ستاره‌ها در آن دیده می شود ، مطالعه کند ، و آسمان‌ها را با بهترین تلسکوپ‌هایی که ممکن است به آن‌ها دسترسی داشته باشد ، مشاهده کند. به او اجازه دهید تا واقعیت‌های اصلی را به خاطر آورد. که تمرین‌گر تصویری ذهنی از زمین بسازد ، به ویژه تلاش کند تا در مقایسه با خودش اندازه زمین را درک کند و بگذارید او راضی نباشد تا زمانی که با اطمینان خودش به خوبی موفق شده باشد.

به او اجازه دهید ماه را اضافه کند و به خاطر داشته باشید اندازه‌های نسبی و فاصله بین سیاره و ماهواره آن. او احتمالاً ترفند نهایی ذهن را ناپدید شدن مداوم تصویر و ظاهر همان در مقیاس کوچک‌تر می‌داند. این ترفند او باید با قاطعیت تلاش پیشی بگیرد. او سپس به نوبه خود زهره ، مریخ ، عطارد و خورشید را به همراه خواهد داشت.

در این مرحله جای تغییر نقطه نظر به مرکز خورشید مجاز است و انجام این کار می‌تواند ثبات را به مفهوم بیفزاید. سپس Practicus ممکن است سیارک‌ها ، مشتری ، کیوان ، اورانوس و نپتون باشد. توجه بیشتر به جزئیات در حال حاضر ضروری است ، زیرا تصویر بسیار پیچیده است ، به غیر از مشکل قدردانی از اندازه و فاصله نسبی. بگذارید این تصویر ماه از ماه تمرین شود تا این‌که کاملاً کامل باشد. گرایشی که ممکن است خود را به درون Dhyana و Samadhi نشان دهد ، باید با قوت ذهن با قاطعیت مقابله شود. بگذارید Practicus سپس با شروع از آفتاب ، دوباره تصویر را شروع کند و سیارات را یکی یکی و هر یک با حرکت مناسب خود اضافه کند ، تا زمانی که او یک تصویر کامل از منظر منظومه شمسی داشته باشد زیرا در واقع وجود دارد. بگذارید او به ویژه خاطرنشان کند که اگر اندازه ظاهری تقریبی با واقعی نباشد ، عمل او هدر می‌رود. بگذارید او یک دنباله‌دار به تصویر اضافه کند. او ممکن است دریابد که ممکن است مسیر این دنباله‌دار به او کمک کند تا حوزه دید ذهنی خود را گسترش دهد تا اینکه ستاره ای در آن قرار بگیرد.

به یک‌باره تمام حقیقت و آن‌چه که کتاب بود و اسناد و مدارک حقیقی از زمین و پیرامون توسط گروه‌های فریب ذهن فراماسونری و ایلومیناتی جمع‌آوری شد یا از بین برده شد یا به انحصار آن‌ها درآمد که بدین سبب خورشید مرکزی و خورشید پرستی مصر باستان به حقیقت جلوه داد شد.

طی سیصد سال گذشته آن‌ها انسان‌هایی رو پرورش دادن که نه از تاریخ انسانی و زمین باخبرند نه از پیرامون دنیای خودشان.

تمامی تمدن‌های گذشته تمام محیط پوشیده بر زمین را از گذشته تا سیصد سال قبله بصورت یک آزمایشگاه زیستی ترسیم کرده‌اند زمین تخت و خورشید و ماه در زیر گنبد و در بالای گنبد به همراه دریا و رودخانه آسمانی.

جالب در این‌جاست اشخاص و گروه‌هایی که مردم رو با تئوری‌های دروغ فریب می‌دهند خورشید مرکزی در کتاب آن‌ها مدل و نقشه زمین تخت ترسیم شده و این چنین حقیقت را برای خودشان می‌خواهند و علم دروغ را به مردم آموزش می‌دهند.

ناسا با دروغی چندین ساله و فراماسون‌ها با دروغی بیش از پنج قرن حقیقت را از مردم پنهان کرده‌اند و دنیا را در ذهن ما کروی ترسیم کردند

حقیقت باید روشن شود و همه ما با هم به آن خواهیم رسید که زمین کروی نیست و مطابق فرموده همه ادیان زمین تخت و آسمان گنبدی و دارای ۷ طبقه است

با نظریه زمین تخت وجود ۷ آسمان، وجود گنبد آسمان، وجود کوه قاف، وجود جهان میانی و جهان اندرونی صحت پیدا می‌کند.

همان‌طور که مشخص است زمین یا کلمه الارض به مکانی می‌گویند که کاملا هموار و جایی مسطح و کشیده شده باشد، پس اگر انسان خردمند و حقیقت‌گرا باشد در اولین مرحله از لغت خواهد فهمید که زمین به شکل تخت می‌باشد.

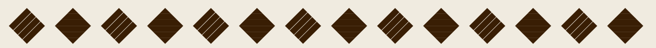
در صورت درست بودن شکل زمین از دیدگاه کتاب‌های آسمانی و روایات راهنماگران الهی در پس و پشت کوه‌های رشته‌ای و محیط بر دنیا بی‌کران‌ها و عظمت‌هایی به جهت تصاحب منابع گران‌قیمت معدنی و زندگی با طعم لذت و شکوهمندی بسیار موجود است...

به احتمال بسیار زیاد افراد برگزیده‌ای به صورت کاملا محرمانه به قسمت پشت کوه‌های قاف سفر کرده‌اند تا بدین سبب به اهداف مرموزانه‌شان دست پیدا کنند و به صورت قاطع عرض خواهم کرد که پیشرفت و رشد علم و ظاهر شدن عجایب و شگفتی‌ها بر روی زمین و اتفاقات مبهم و معجزه‌آسایی که قرار است آینده بشر را به طور کلی متحول کند به چنین جریانی ارتباط پایدار و مستقیمی دارد.

باور من این است که گروهی از انسان‌ها طی انجام مراسم و آئین‌های خاصی توانسته‌اند از ابعاد دنیای فیزیکی و سه بعدی ما به ابعاد بالاتر کانال بزنند و موجودات هوشمندی که ساکن و در بند این ابعادند به زمین دعوت کنند. شاید این موجودات را با نام‌های متفاوتی بشناسید. ارواح شر، اجنه و جدیدا بیگانه‌های فضایی.

از عهد باستان تاکنون رمال‌ها ،فال‌گیرها و جادوگران با آن‌ها در تماس بوده‌اند و از آن‌ها نیرو می‌گرفتند. باید بگویم در حال حاضر سیاست‌مداران و رهبران و سرمایه‌داران بزرگ دنیا که غالبا صهیونیست هستند در لژهای فراماسونری خود آن‌ها را احضار می‌کنند و نقشه‌های شوم آن‌ها را اجرا می‌کنند...

خواننده و پژوهش‌گر گرامی شما را به دیدن مقالات مفصل و کامل علمی درباره زمین تخت در قسمت (بیشتر مطالعه کنید) دعوت می‌کنم←



🏁سوال: به نظر شما حقیقت تخت بودن زمین باید تا چه زمانی از مردم پنهان بماند؟🏁

📂موضوعات: زمین مسطح-شکل-ابعاد-چرخش خورشید-مدار سیارات-نجوم-خلقت📂

🔍کلمات‌جستجو: زمین تخت و گنبد آسمان

مدل مجازی زمین گرد مانند تخت

ترسیم گنبد آسمان بر زمین تخت

چرخش خورشید و ماه و ستارگان در زیر و روی گنبد زمین تخت

آب‌های متشکل شده بر روی گنبد آسمان

زمین تخت و مدار هوشمند

شکل سه‌بعدی زمین تخت و گنبد آسمان

دورغ‌های ناسا در خصوص کروی بودن زمین و مرکزیت خورشید و چرخش کره بر آن

فریب مردم توسط ناسا درباره درصد زیادی از اطلاعات نجومی به مانند مساحت، اندازه، جرم، نوع و... ستارگان و سیارات

تاریخچه زمین تخت

ماهیت و دلایل استدلالی و منطقی زمین تخت

پاسخ به سوالات رایج درباره زمین مسطح

فراماسون ها در فضا🔎

💢بیشتر مطالعه کنید: تاریخچه کامل زمین تخت

https://archive.org/download/YoSoFeFATeMe.120/Flat.pdf

flatearthfarsi.com💢



📰لغت‌نامه: قُبَة : ج قِبَاب و قُبَب [قبّ] (ب): گُنبد |- الخَضْراء اوِ الزَّرقاء: گنبد سبز یا آبی کنایه از آسمان است؛ «قُبَّةُ الشَّهادَة»: نزد یهود چادری بود که در آن تابوت عهد را قرار می دادند که به آن «قُبَّةُ الزَّمان» نیز گویند؛ «قُبَّةُ الإسْلام»: شهر بصره است.(اسم) [عربی: قبَّة، جمع: قِباب و قُبَب]

[qobbe] بنایی که سقف آن گرد و برآمده باشد.

〉قبهٔ خضرا: [قدیمی، مجاز] آسمان.[قُبْ بَ] (ع اِ)(۱) قبه. برآمدگي هر چيز را گويند. (برهان). بناي گرد برآورده چون گنبد. هرچه مثل گنبد سازند، چون قبهء سپر. گنبد. (منتهي الارب). خرقاهته. (کشاف اصطلاحات الفنون). خرگاه. (کشاف). ج، قُبَب، قِباب. (منتهي الارب). || عربان شاخ حجام را ميگويند که بدان حجامت کنند. (برهان). || هزارخانهء گوسفندان. (آنندراج) : فرو شد به ماهي و بر شد به ماه بن نيزه و قبهء بارگاه.فردوسي. هزاران قبهء عالي کشيده سر به ابر اندر که کردي کمترين قبه سپهر برترين دروا. عمعق بخارايي. (۱) - Dais.

تخته سنگ , سنگ , گرداله , تکان نوسانی دادن , جنباندن , نوسان کردن , سنگ , تخته سنگ یا صخره , سنگ خاره , صخره , جنبش , تکان.

[سْ / سِ] (اِ)(۱) چرخ. سماء. سما. فلک. اثیر. ام النجوم. سپهر. گنبد. گردون. گرزمان. خضراء. خضرا. میناء. عجوز. جرباء. رقیع. ضاحیه. جربه النجوم. و آن بعقیدهء قدماء هفت باشد. مقابل زمین : اخترانند آسمانْشان جایگاه هفت تابنده دوان در دو و داه.رودکي. همه بازبسته بدین آسمان که بر برده بیني بسان کیان.ابوشکور.

سوي آسمان کردش آن مرد روي بگفت اي خدا این تن من بشوي از این اَژْغها پاک کن مر مرا همه آفرین زآفرینش ترا.ابوشکور. وآن شب تیره کآن ستاره برفت وآمد از آسمان بگوش تراک.خسروي. ستاره شناسان برِ او شدند همي زآسمان داستانها زدند.فردوسي. ز سُمّ ستوران در آن پهن دشت زمین شد شش و آسمان گشت هشت. فردوسي. درختش ز یاقوت و آبش گلاب زمینش سپهر، آسمان آفتاب.فردوسي. اگر یاد گیري چنین بیگمان گشاده ست بر تو در آسمان.فردوسي. چگونه رسد نوک تیر خدنگ بر این آسمان برشده کوه و سنگ.فردوسي. کسي را که رستم بود هم نبرد سرش زآسمان اندرآرد بگرد.فردوسي. سپهبد سوي آسمان کرد روي چنین گفت کاي داور راستگوي.فردوسي. همي جست بر چاره جستن رهي سوي آسمان کرد روي آنگهي.فردوسي. گرفتي زمین وآنچه بد کام تو شود آسمان نیز در دام تو.فردوسي. و پارسیان او را آسمان نام کردند یعني مانندهء آس از جهت حرکت او که گرد است(۲). (التفهیم). سخاوت تو ندارد در این جهان دریا سیاست تو ندارد بر آسمان بهرام.عنصري. اسب تاختن گرفتم چنانکه ندانستم که بر زمینم یا در آسمان. (تاریخ بیهقي). ز من بگسل بفضل این آشنائي نه بر من پاسبان کرد آسمانت. ناصرخسرو. همي دانم که این جور است لیکن ندانم زآسمان یا زآسمانگر.ناصرخسرو.

بگشاي درِ آسمان به نيکي نيکيت کليد در آسمان است (کذا). ناصرخسرو. بر آسمانْت خواند خداوند آسمان بر آسمان چگونه تواني شد از زمي؟ ناصرخسرو. آسياآساست ناسايد دمي آسمان زآن است نام او همي.عطار. آنکه ميافراخت سر چون خيمه بر گردون به ري شد اسير خواري و مستوجب چندين عذاب کرد رو بر آسمان کاي آسمان تدبير چيست آسمان گفتش ترکت الرأي بالري در جواب. سلمان ساوجي. - آسمان برين؛ فلک اعلي. فلک الافلاک. آسمان نهم. فلک اطلس. - آسمانها؛ جِ آسمان. سماوات. افلاک. اضاحي. - هفت آسمان؛ سموات سبع. || مدار. فلک. فلک دائر. چرخ : نخستين آنچه پيدا شد مَلَک بود وز آن پس جوهر گردان فلک بود وز ايشان آمد اين اجرام روشن بسان گل ميان سبز گلشن ... اگر بي اخترستي چرخ گردان نگشتي مختلف اوقات کيهان نبودي اين عللهاي زماني کز او آيد نباتي زندگاني چو اين مايه نبودي رُستني را نبودي جانور روي زمي را وگر بي آسمان بودي ستاره جهان پرنور بودي هامواره.(ويس و رامين). || سقف. آسمانه. آسمانخانه. چُخت. چُخد : خرامان همي رفت بهرام گور يکي خانه ديد آسمانش بلور.فردوسي. و آلات زرين داد تا بر آسمان بيت المقدس بياويزند. (مجمل التواريخ). || بالا. جانب علو : گر خدو را بر آسمان فکنم بي گمانم که بر چکاد آيد. طاهر فضل. وز دژم روي ابر پنداري کآسمان آسمانه اي است خدنگ.فرخي. || (اِخ) خدا : ملک زآن داده ست ما را کن فکان تا ننالد خلق سوي آسمان.مولوي. || (اِ) آسيا : دل منه بر عشوه هاي آسمان زيرا که هست بي سر و بن کارهاي آسمان چون آسمان. خاقاني. || فضا. هوا : نپرّيد بر آسمانش عقاب از آن بهره اي شخّ و بهري سراب.فردوسي. چو جادو بکشت آسمان تيره گشت بر آنسان که چشم اندرو خيره گشت. فردوسي. -آسمان وفا؛

تعبيري مثلي به معني مَثَل اعلا و امام و صنم عقلي وفا : ببزم اندرون آسمان وفاست برزم اندرون تیزچنگ اژدها است.فردوسي. -به آسمان شدن؛ مردن. درگذشتن : پس از این بوسعید صراف کدخداي غازي به آسمان شد. (تاريخ بيهقي). -دست بر آسمان برداشتن؛ دعا کردن با افراختن دو دست : اوحدي را چو زور و زر کم بود دست زاري بر آسمان برداشت.اوحدي. - امثال: آسمان به زمين نيامدن؛ کمي و بيشي سخت در امر پيدا نشدن. آسمان و ريسمان؛ من سخن از آسمان مي گويم او از ريسمان. ... از ماست بر ما بدِ آسمان.فردوسي. مصائب و بليات که بر ما آيد نتيجهء اعمال خود ماست. به هر کجا که روي آسمان همين رنگ است؛با تغيير شغل يا جاي يا مخدوم اميد بهتري نيست. در هفت آسمان يک ستاره نداشتن؛ سخت فقير بودن. قطرهء آبي نخورد ماکيان تا نکند روي سوي آسمان.اميرخسرو. آدمي را شکر نعما و آلاء خداي سبحانه و هر منعم ديگر وظيفه است. کلاه به آسمان انداختن؛ سخت شادان و راضي بودن. مرغ که آبکي خورَد سر سوي آسمان کند. خاقاني. رجوع به مَثَل «قطرهء آبي...» شود. من سخن از آسمان ميگويم او از ريسمان؛ميان گفتار من و او هيچ تناسبي نيست. (۱) - بعض از فرهنگ نويسان ريشهء کلمه را آس بمعني آسيا و مان مخفف مانند دانسته اند و البته بر اساسي نيست. (۲) - بر اساسي نيست.

فَلَك : ج فُلْك و فُلُك و أَفْلَاك: مدار ستارگان؛ «فَلَكُ البُروج» (فك): مدار يكسان خورشيدى است كه در دوازده بُرج سير مى كند و اين دايره به دوازده قسمت تقسيم مى شود و هر يك ۳۰ درجه دارد كه آن را (دائره كسوفى) نامند؛ «عِلْمُ الْفَلَكَ» : دانشى است كه پيرامون ستارگان آسمان بحث مى كند

|- الفَلَك ج فِلَاك: بر زمینهائی که بلندتر از زمینهای پیرامون خود باشد اطلاق می شود، تپه شنی، مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ : دایره و بیشتر هر چیزی |- مِنَ الْبَحْر: امواج دریا که مىيد و برمی گردد.

] (~.)ع.] (اِ.) آسمان، سپهر، گردون.

مَدَار : [دور]: «مَدَارُ الشيء»: آنچه که بر چیزی دور می زند؛ «مَدَارُ الأمر»: جریان امر؛ «مَدّارُ کوکب» (فك): جریان حرکت ستاره در روز بطوریکه آن بطور عمودی بر محور جهان باشد.

)اسم) [عربی]

[madār]

۱. مسیر دور زدن و گردش.

۲. (برق) مسیر کامل جریان برق، شامل سیم، خازن، کلید، و امثال آن.

۳. (نجوم) مسیری که سیارات و اجرام آسمانی طبق آن به دور یک یا چند جرم دیگر در حرکت باشند.

۴. (جغرافیا) هریک از دایره‌های فرضی که به موازات خط استوا رسم شده است و هرچه به قطب نزدیک‌تر شوند کوچک‌تر می‌گردند.

۵. آنچه یا آن‌که بر گِردَش می‌گردند.

۶. (اسم مصدر) [قدیمی] جریان.

⟩مدار رأس‌الجدی: (جغرافیا، نجوم) = رأس‌الجدی

〉مدار رأس‌السرطان: (جغرافیا، نجوم) = رأس‌السرطان

)اسم) [معرب، مأخوذ از فارسی: فرسنگ، جمع: فراسخ]

[farsax] واحد اندازه‌گیری مسافت، تقریباً برابر با ۶ کیلومتر.

]فَ سَ] (معرب، اِ) فرسنگ. (یادداشت به خط مؤلف). فرسنگ و آن مسافت سه میل باشد که دوازده هزار گز یا ده هزار گز شود. ج، فراسخ. (منتهي الارب). سه میل هاشمي است و گویند دوازده هزار ذراع است. (از اقرب الموارد). عبارت است از اندازهٔ سه میل. و فرسخ بر سه نوع است: فرسخ طولي که آن را فرسخ خطي نیز گویند و عبارت است از دوازده هزار ذراع طولي و برخي هم گفته اند از هیجده هزار ذراع ولي قول اول مشهور است. دوم فرسخ سطحي و آن مربع طولي است. و فرسخ جسمي و آن مکعب فرسخ طولي است. (از کشاف اصطلاحات الفنون). هر فرسخي صدوپنجاه اشل است. (تاریخ قم ص ۱۰۸). فرسخ نام بیست وپنج تیر پرتاب است. (یادداشت به خط مؤلف). فرسخ هندي هشت میل است. (نخبه الدهر). بنا بر آنچه در عرف عام و در اصطلاح رایج جغرافیایي امروز از فرسخ و فرسنگ مستفاد میشود برابر با شش هزار گز یا شش کیلومتر است. رجوع به فرسنگ شود.

ذِرَاع : ج أَذْرُع و ذَرْعَان من الرجُلِ (ع ا) : مسافت از سر آرنج تا نوك انگشت میانه ی انسان است، ساق دست. این واژه مؤنث است و گاهی مذکر بکار می رود.- مِنَ الْخیل وَ الْإبِلِ: باریکه ی دست و پای اسب و شتر |- مِن البَقَرِ و الغَنَمِ: باریکه ی ساق پای گاو و گوسفند |- مِنْ الْمَقَایِیس: اندازه ی طولی بین پنجاه و هفتاد سانتیمتر

ا- (حي): ابزاری است فلزی که میان دو قطعه ی متحرك و مثبت برای انتقال حرکت قرار می گیرد، گاهی (الذَّراع) بمعنای نیرو و انرژی مىيد؛ «ضاقَ بالأمرِ ذِراعُهُ»: ناتوان شد؛

«رجلٌ واسِعُ الذّراعِ» : مردی گشاده روی و خوش اخلاق؛ «هولك على حَبْلِ الذّراع»: او برای تو آماده و حاضر است؛ «أوْلَادُ ذِراعٍ و اولَادُ الذراع»: الاغها، سگها. الذَّرَّاف : شتابنده.

]دَحْوْ] (ع مص) گستردن گسترانیدن (دهار) (زوزني) (تاج المصادر بيهقي) کشیدن و پهن کردن: دحوالارض؛ گستردن و فراخ گردانیدن زمین را خدا || گستردن و برابر گردانیدن باران سنگریزه ها را || آرمیدن و گردآمدن مرد با زن || بزرگ شدن و فروهشته گردیدن شکم (منتهي الارب ||) يقال للاعب بالجوز گوز در گو انداختن (المصادر زوزني چ بينش ص ۸۱) ابعدي المدي وادحه، اري ارم الجوز (منتهي الارب ||) دست و پا اندازان رفتن اسب (منتهي الارب) اندک دست و پا برداشتن اسب در رفتن || یوم دحو الارض؛ روز پهن شدن زمین از زیر خانهء کعبه بر روي آب است و آن روز بیست وپنجم (بیست وششم) ماه ذي القعده است (یادداشت مؤلف).

📚کتاب؛مجمع البیان،تفسیر عیاشی،روضه کافی،بحارالانوار،احتجاج،علل شرایع،الدُر المنثور،تفسیر قمی،کافی،علل شرایع،تفسیر البرهان،کافی،خصال، جلد؛۱،۸،۵،۱،۳،۲،۶،۲،۱،۸،۱،۲،۱۰ صفحه؛۴۸،۲۳۹،۸۲۶،۱۵۹،۲۷۹،۲۴۱،۲۳۸،۱۵۶،۱۳۸،۲۰۰،۲۳۱،۲۱۸،۳۱۰ ۹ حدیث؛۶۸،۳۲۶،۳،۱،۱،۳،۱۸،۷،۵،۷۳،۲۱،۳،۱📚



♻️اشتراک‌گذاری این‌مطلب برای تمام دوستان‌تان واجب است♻️

🌐برای مشاهده مطالب‌بیشتر به صفحه‌رسمی @YoSoFeFATeMe به‌روید🌐

💠عالی‌ترین، محبوب‌ترین، زیباترین و خاص‌ترین مطالب علمی‌تحقیقاتی‌اسلامی را با بهترین پردازش‌ها در رسانه یوسف‌فاطمه مشاهده نمائید💠

📢جدیدترین مطالب‌رسمی رسانه یوسف‌فاطمه را در کانال‌های فعال‌ما



در سایت آرشیو

Https://Archive.Org/Details/@YoSoFeFATeMe_IR

در وبلاگ فارسی

Https://YoSoFeFATeMe.PersianBlog.IR

در شبکه‌اجتماعی اینستاگرام

Https://Instagram.CoM/YoSoFeFATeMe

در پیام‌رسان تلگرام

Https://TeleGram.Me/YoSoFeFATeMe_IR

در خدمات‌فیلم آپارات

Https://Aparat.CoM/YoSoFeFATeMe

در شبکه‌پیام‌نما توئیتر

Https://Twitter.CoM/YoSoFeFATeMe

در ایمیل‌الکترونیکی یاهو

Https://YoSoFeFATeMe@YAhoo.CoM



مشاهده، دنبال کنید.📢